



عرفان و اهل بیت علیهم السلام

علی محمد برنا

در جهان هستی حقایقی نهفته شده، که ذهن کاوشگر انسان به طور دائم در مقام دستیابی به آن حقایق بوده است و این کاوشگری فراتر از ذهن و عقل ریشه در فطرت انسان دارد، با این حال در طلب اختیاری انسان در پویش ارادی او، خطراتی در کمین است که دفع آنها، ذکاوت و دانشی صحیح را می طلبد و پیروی راهنمایان و راهبران زبده‌ای که خود این راه را طی کرده‌اند و صحت وصول آنها به مقصد نیز از ناحیه خداوند متعال تایید شده شرط، این راه است.

قطع این مرحله بی همراهی خضر مکن ظلمات است بترس از خطر گمراهی [۱]

به این جهت نقش اصلی ائمه (علیهم السلام) در هدایت فکری و عملی سلوک الی الله، معلوم می‌شود. امام علی (ع) فرمود: ای مردم چرا سرگردانید، در حالی که عترت پیامبر در میان شماست. آنها زمامداران حق و به یقین پیشوایان راستی و راست گویانند. پس باید در بهترین منازل قرآن جایشان دهید و همانند تشنگانی که به سوی آب شتابانند به سویشان هجوم ببرید.

در این مقاله نویسنده سعی دارد برخی از نقطه نظرهای معرفتی و سلوکی مطرح شده در بیان ائمه هدی (علیهم السلام) روشن شود.

معرفت در مکتب اهل بیت (علیهم السلام)

شکی نیست که هدف از خلقت انسان، بندگی خداوند است و قرآن در این باره می‌فرماید:

«و ما خلقت الجن و النس الا ليعبدون» من خلق نکردم جنیان و آدمیان را، مگر به جهت پرستش [۲] و پرستش خالصانه و عالمانه تنها راه ورود به خلوت کبریایی و وصول به عرفان الهی است.

خدمت او کن که سلطانت کند	خار او شو تا گلستانت کند
هر سری کز لطف او افسر گرفت	افسر از خاقان و از قیصر گرفت
بنده او گر شدی آزاد زی	گر غم او می خوری دل شاد زی
سر بنه در آستانش بر زمین	پس سر خود برتر از کیوان ببین
پیش او دست گدایی کن بلند	دست شاهان وانگهی بر پشت بند
نزد او عجز و نیاز آغاز کن	پس برو بر هر دو عالم ناز کن
ای خدا بر روی من بگشا تو در	ور بندد هر که می خواهد دگر [۳]

و در حدیث شریف قدسی می‌فرماید :

«من گنج نهانی بودم، خواستم شناخته شوم و خلق را خلق نمودم تا شناخته شوم. [۴]

امام رضا (علیه السلام) درباره معنای «اهدانا الصراط المستقیم» می‌فرماید: این دعا، طلب زیاد شدن معرفت به خداوند و به عظمت و کبریایی اوست. [۵]

و علی (علیه السلام) خطاب به کمیل فرمودند: «یا کمیل ما من حرکه الا و انت محتاج فیه الی المعرفه».

ای کمیل هیچ حرکتی نیست، مگر اینکه در آن محتاج معرفتی. [۶]

لذا هر چه در مکتب اهل بیت (علیهم السلام) بیشتر تامل می‌کنیم، این نکته آشکارتر می‌شود که راه اهل بیت، راه کسب معرفت و وصل به درجات اعلای آن است. امام علی (علیه السلام) در پاسخ شخصی که به آن حضرت عرض کرد: خدا را آن گونه توصیف کن که گویا با چشم سر، او را دیده‌ایم. فرمودند: ای پرستش کننده، درست بنگر آنچه را که قرآن از صفات خدا بیان می‌دارد، به آن اعتماد کن و از نور هدایتش بهره‌گیر و آنچه را که شیطان تو را به دانستن آن وا می‌دارد و کتاب خدا، آن را بر تو واجب نکرده و در سنت پیامبر (صل الله علیه و آله) و امامان هدایتگر (علیهم السلام) نیامده، رها کن و علم آن را به خدا واگذار، که این نهایت حق پروردگار بر تو است .

بدان آنها که در علم دین استوارند، خدا آنها را از فرو رفتن در آنچه که بر آنها پوشیده است و تفسیر آن را نمی‌دانند و از فرو رفتن در اسرار نهان، بی‌نیاز ساخته و آنان را از این رو که به عجز و ناتوانی خود در برابر غیب و آنچه که تفسیر آن را نمی‌دانند، اعتراف می‌کنند ستایش فرمود و ترک ژرف نگری در آنچه که خدا بر آنان واجب نساخته را، راسخ بودن در علم شناسانده است. پس به همین مقدار بسنده کن و خدا را با میزان عقل فرد ارزیابی مکن تا از تباه شدگان مباشی. [۷]

جالب توجه است که در این خطبه شریف، امام علی (ع) توجه مخاطب را به تفصیل به چگونگی خلقت زمین و آسمان و صفات فرشتگان و اصناف آنها و پاک بودن فرشتگان از رذائل اخلاقی و عشق آنها به خداوند متعال، معطوف می‌دارد و می‌فرماید: اشتغال به عبادت پروردگار، فرشتگان را از دیگر کارها باز داشته و حقیقت ایمان، میان آنها و معرفت حق، پیوند ایجاد نموده و نعمت یقین، آنها را شیدای حق گردانیده که به غیر حق، هیچ علاقه‌ای ندارند، شیرینی معرفت خدا را چشیده و از جام محبت سیراب شده‌اند. [۸]

در این بیان شریف، امام علی (علیه السلام) ضمن توجه دادن سائل به ظرفیت وجودی و عقلی، سه رکن اصلی سلوک الی الله را بیان می‌فرماید :

رکن اول: عبادت پروردگار که تنها راه به سوی اوست، زیرا آدمی به جز اطاعت و عبادت عالمانه، راهی به سوی خداوند ندارد و به این وسیله، جان خود را آماده استضائه از انوار الهی می‌کند و پیامبر (ص) فرمود: برترین مردم، کسی است که عاشق عبادت باشد و آن را در برگیرد. [۹]

رکن دوم: پیوند میان حقیقت ایمان و معرفت خداوند است که بدون ایمان صحیح به توحید و نبوت و امامت، راهی به سوی خداوند وجود ندارد و آنچه برخی از متصوفان منحرف از ولایت امامان معصوم درک کرده‌اند، غیر از درک نفسانی نیست .
نقد صوفی نه همه صافی و بی‌غش باشد. ای بسا خرقه که مستوجب آتش باشد

ابن ابی الحدید شارح کتاب رفیع «نهج البلاغه» نیز در یکی از ابیات خود درباره حضرت امام علی (ع) چنین می‌فرماید :

آگاه باشید اگر علوم امام علی (ع) در بیان حقیقت توحید نباشد، علم توحید مانند عشوه دخترکی گمراه کننده یا مانند زمینی است که کافران آن را به یغما برده اند. [۱۰] این بیت، آنچنان بلند و پر محتوا است که به جرأت می توان گفت به الهام روح القدس سروده شده، زیرا مشاهده می شود آنان که بدون ولای آن حضرت، سفر توحید در پیش گرفتند یا سر از حلول در آوردند، اتحادی شدند یا قائل به تجسم خدای متعال گردیدند یا یکباره راه توحید را تعطیل نموده و وجود خویش را بیهوده رها کردند. پس از ملازمت با اهل بیت (علیهم السلام) در مسیر سلوک و توحید، شرط وصول به حق است و امام علی النقی (ع) در برخی از فرازهای زیارت جامعه کبیره، این حقیقت را چنین بیان فرموده اند: «فالراغب عنکم مارق و اللزیم لکم لاحق و المقصر فی حقکم زاهق» [۱۱]

هر که از اهل بیت روگرداند، از مسیر توحید خارج شده و هر کس این مسیر را، همراه با اهل بیت طی کند به منزل مقصود خواهد رسید و هر کس در حق اهل بیت کوتاهی کند، نابوده شده است. همچنین آن حضرت می فرماید :

من اراد الله بدا بکم و من وحده قبل عنکم و من قصده توجه بکم» [۱۲] هر کس اراده وصول به خدای متعال را نماید، از شما شروع می کند و هر کسی حقیقت توحید را طالب باشد، آن را از شما می پذیرد و هر کس آهنگ او را نماید، به سوی شما متوجه می شود. آرای اهل بیت پیامبر (صل الله علیه و آله) آئینه تمام نمای جمال و جلال خداوند هستند و آنها آیت عظمای الهی و حجت کبرای حق بر ما سواى اویند و به گفته پیامبر اکرم (صل الله علیه و آله): آنها کشتی نجات خلق و پناه انسان ها از هلاکت و ضلالت اند [۱۳]

زیرا این راه بسی پر خطر است و مقصد بس دراز و شیطان های جنی و انسی در کمین بنی آدمند و برای نجات از این غرقابها، راهی غیر از تمسک به اهل بیت پیامبر (ص) نیست .

حکیم این جهان را چو دریا نهاد	برانگیخته موج ازو تندباد
چو هفتاد کشتی بسان عروس	بیاراسته همچو چشم خروس
محمد بدو اندرون با علی	همان اهل بیت نبی و وصی
خردمند کز دور دریا بدید	کرانه نه پیدا و بن ناپدید
بدانست کو موج باید زدن	کس از غرقه بیرون نخواهد شدن
بدل گفت اگر با نبی و وصی	شوم غرقه دارم دو یار وفی
همانا که باشد مرا دستگیر	خداوند تاج ولوا و سریر [14]

رکن سوم: رابطه پیدایش محبت و عشق راستین، در سودای قلب انسان با یقین به خداوند است. به هر میزان که نور یقین در قلب بیشتر شود و حجاب های شک و تردید از آن دور شود، جلوه جمال حق در دل واضحت و عشق الهی فروزانتر می گردد تا جایی که شراره آن هستی آدمی را، بر باد می دهد و در وادی فنا، مسکن می گزیند. ((چشم دل را به تماشای خویش روشن کن تا چشم دل حجاب های نورانی را بشکافند و متصل به معدن عظمت شود.)) [۱۵]

در ادامه همین خطبه، امام (ع) از صفات فرشتگان که ساکنان بارگاه قرب الهی هستند، پاکی آنها را از ردائلی چون حسد و پیروی از خواهش های نفسانی و افکار پراکنده، بیان می دارد. [۱۶] و این خود از شرایط سلوک الی الله است، زیرا نفس آلوده به صفات ناپسند و اسیر علائق مادی، هرگز قابلیت هم نفسی با ارواح طیبه و تجلی جمال الهی را ندارد و تنها قلوب پاک و خالص را چنین مجالی است .

پیامبر خدا (ص) در این باره می فرماید: اگر شیطان ها اطراف قلوب بنی آدم نمی گردیدند، هر آینه به ملکوت آسمان ها می نگریستند. [۱۷]

سعد بن عبد الله قمی، هنگامی که در شهر سامرا به فیض ملاقات امام زمان (عج) نائل آمد از آن حضرت درباره تاویل آیه شریفه «فاخلع نعلیک»، سوال کرد، امام (ع) در پاسخ وی فرمودند: موسی در وادی مقدس به خداوند عرض نمود من محبتم را برای تو خالص نموده ام و دل از غیر تو شسته ام و این در حالی بود که به خانواده خود علاقه وافری داشت، خداوند تبارک و تعالی به او فرمود:

«فاخلع نعلیک»، یعنی اگر دوستیات برای من خالص است، محبت اهل خود را از دل برون کن و قلبت را از میل به سوی غیر من پاک گردان [۱۸] و این مهم جز با تزکیه نفس، حاصل نمی شود. استاد ما حفظه الله تعالی می فرمود: برای تزکیه نفس، تلاش و جدیت، امری ضروری است اما تا نور حق بر قلب مؤمن نتابد، ریشه رذائل اخلاقی از جان آدمی کنده نمی شود. مادامی که ما خلق را می بینیم، ریاکار و خلق پرستیم و زمانی خداپرست می شویم که چشم خدایین پیدا کنیم. و هر درختی را ثمری است و ثمره وجود انسان توحید است. امام حسین (علیه السلام) فرمودند: خدایا، کسی که تو را یافت، چه چیز را از دست داده است و کسی که تو را نیافت، چه چیز به دست آورده است. [۱۹]

در این راه اهل بیت (علیهم السلام) دعوت کنندگان سوی توحیدند. در زیارت آل یاسین خطاب به امام زمان (عج) چنین می خوانیم: السلام علیک یا داعی الله و ربانی آیاته، سلام بر تو ای دعوت کننده به سوی خداوند و تربیت کننده آیات الهی. [۲۰ علی) علیه السلام) در خطبه صفات متقین که از ملک تا ملکوت، حجاب از دیدگان همام برداشت و آن چنان او را در افق سیر الی الله پرواز داد که مرغ جان او هرگز از بلندای مناره توحید تنزل نکرد و در نفعه علوی، به لقاء دوست شتافت و جان به جان آفرین تسلیم کرد. امام می فرماید: «عظم الخالق فی انفسهم فصغر ما دونه فی اعینهم» خداوند در جان های آنان، بزرگ جلوه نمود و به این جهت غیر خداوند در نظر آنها، بی مقدار شد.

هر آن دل روشن از نور الهی است	به چشمش هر دو عالم خاک راهی است
چو بیند چشمی آن خورشید جان را	نبیند ذره ای هر دو جهان را
چون حسن اعظم یکتای ایزد	بر ایوان دل پاکان، علم زد
حجاب آفرینش را دریدند	ز الله ما سوی الله را ندیدند [۲۱]

پی نوشت ها:

- [1] دیوان حافظ، ص ۲۸۸، انتشارات گلی .
- [2] سوره الذاریات، آیه ۵۶ .
- [3] مثنوی طاقدیس، تالیف ملا احمد نراقی، ص ۱۲۴ .
- [4] «كُنْتُ كَثْرًا مَخْفِيًا فَاحْبَبْتُ أَنْ أَعْرِفَ فَخَلَقْتَ الْخَلْقَ لِكَيْ أَعْرِفَ» عوالي الثالی، ابن ابی جمهور احسای، ج ۱، ص ۵۵، ناشر مطبعه سید الشهداء .
- [5] عیون اخبار الرضا، شیخ الصدوق - ج ۱، ص ۱۱۴، ناشر موسسه الاعلمی للمطبوعات .
- [6] تحف العقول، ابن شعبه الحرانی، ص ۱۷۱، ناشر موسسه النشر الاسلامی لجماعه المدرسین .
- [7] نهج البلاغه، حجت الاسلام دشتی، خطبه ۱۵۷، ناشر ستاد اقامه نماز،
- [8] همان ماخذ، خطبه ۱۵۷، ص ۱۴۳ .
- [9] الکافی، کلینی جلد ۲، ص ۸۳، ناشر دار الکتب الاسلامیه .
- [10] الامام علی (ع)، احمد الرحمانی الهمدانی، ص ۳۷۹، ناشر المنیر .
- [11] من لایحضره الفقیه الصدوق، ج ۲، ص ۶۱۲، ناشر جامعه مدرسین .
- [12] همان ماخذ، ص ۶۱۵ .
- [13] نفعات الازهار، سید حامد حسن الکھوی، ج ۴، ص ۲۰، ناشر السید علی المیلانی .
- [14] شاهنامه اتابکی، ص ۸ .
- [15] الدعوات، قطب الدین الرواندي، ص ۵، ناشر مدرسه الامام المهدي .
- [16] نهج البلاغه، حجت الاسلام دشتی، خطبه، ۱۵۷۰ .

- . [17]بحار الانوار، علامه مجلسي، ج56 ، ص ١٦٣ ، ناشر مؤسسہ الوفا .
. [18]مکيال المکارم، سيد محمد نقی موسوي، ج ١، ص٢٠، ناشر المهدی .
. [19]بحار الانوار، علامه مجلسي، ج ٩٥، ص ٢٢٦ .
. [20]نهج البلاغه، عيده، ج ٢، ص ١٦١ .
. [21]ديوان الهي قشمة اي، ص ٢٠ .